

فلسفه علم و جامعه شناسی علم اسلامی برای رشد علمی دانشگاه و حوزه، چه توصیه هایی می سازد؟

وقتی رفتار علم و شرایط مساعد برای رشد علوم را بشناسیم، خیلی بهتر میتوانیم بفهمیم که چه دانشگاه و حوزه ای، ظرف و ظرفیت بهتری برای رشد علم را دارد. جامعه تا در علم (علم دین و علم دنیا و اخلاق) پیشرفت نکند، باید برای توزیع فقر و ذلت، به جنجال بنشیند...

علم، یک پدیده اجتماعی است و زمینه های اجتماعی در کم و کیف آن بسیار مؤثر می افتد (اقتصاد، سیاست، فرهنگ و نگرش، وضعیت نهادهای آموزشی و پژوهشی و...) جالب است بدانید هیچ یک از سرشناسان حوزه حفظهم الله، اثر و دیدگاه مؤثر و قابل توجهی درباره ی "علم به مثابه یک پدیده اجتماعی" ارائه نفرموده اند!

نبود یا ضعف دیدگاه در این حوزه، مانند زندگی در خانه ایست که بدرستی نمیدانیم در کدام شهر است و آن شهر در کدام اقلیم و پیشینه و زمینه... زندگی در خانه ای که مدام محل آمد و شد افرادی است که نمی بینیم!! مصائب غیبت نگاه جامعه شناختی به هر پدیده، فاجعه بار است.

در جوامع بشری، موتور علم را چند مؤلفه، روشن می کند:

1؟ میل به علم و حس کنجکاوی انسان که اساس ایجاد نهاد علم در جوامع است.

اما باید دانست که همواره عشق، لازم است و کافی نیست.

2؟ جایگاه بایسته و شایسته علم و عالم و دانشپژوه در جامعه. جایگاه بایسته در یک جامعه یعنی اندیشه ها و نوآوری ها نه فقط در امنیت باشند، بلکه، مورد تکریم و احترام و پشتیبانی مدنی و دینی قرار گیرند. اگر هر دانشمندی بخواهد در جوامع اسلامی دیدگاهی را پرورد و منتشر کند، باید ملاحظات بسیاری را در نظر بیاورد که به ترنج لباس حاکمان و ارباب نفوذ برنخورد و آنان فقرات تهدید را علیه او برنخیزانند. در کشورهای اسلامی مطمئن باشید رشد علم با مخاطرات جدی مواجه است. امروز در حوزه ها هم طرح دیدگاه ها، مخاطره آمیز است و بسا خیل مریدان و طلاب مبتدی علیه یک روحانی نظریه پرداز، یورش ببرند و او را نیست و نابود کنند. باید برای این داستان فکری کرد...

3؟ علم در ساختار درست، می بالد و انبوه می شود. ساختار درست رشد علم را بشر کشف کرده است. امروزه در دانشگاه های کشورهای توسعه یافته، راه یافته اند و در تعامل با شرکت های توسعه یافته، توفیقات بزرگی یافته اند.

? از جمله عوامل رشد نهاد علم، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

? ثروت سازی علم و ارتقا علمی فرد و دانشگاه با افزایش کیفی خروجی علمی و متخصص و پولساز بودن دانشگاه. شعارها را باید به حد شعار احترام کرد و مابقی راه را با شعور و ادب طی کرد.

? پول، پول و پول، یکی از بهترین چیزهایی است که خداوند متعال آفریده است پول است. بسیاری از زاهد مسلکان و مخالفان این جمله، دروغ می گویند و نفاق می ورزند. پول یک موتور محرک است و البته در دست صالحان موتور خیر و برکت است. یک دانشجو و استاد دانشگاه باید بتواند از راه علم و پیش بردن آن، پولدار شود و به خانه و اتومبیل و حساب بانکی عالی دست یابد و با انجام پروژه های علمی باز پولدارتر شود. خواست ببخشد، خواست با آن زندگی بکند (طبیعتا صالحان مترف و مسرف نمی شوند) این دنیا پرستی نیست. این تجاری سازی علم و ظاهر شدن آن در قامت صنعت است.

? گره خوردن صنایع، کارخانجات و تراست های اقتصادی به نهادهای علم، اساتید و دانشجویان مهندسی و سایر علوم (مشاوران، مدیران، حقوقدان ها و...) و بالعکس. دانشجوی ارشد و دکتری باید پایان نامه و پروژه اش را در کارخانه و در بطن کار انجام دهد و برای آن زحمت بکشد. ورود به دانشگاه باید آسان و فراغت از آن باید دشوار باشد.

? تامین بودن دانشجویان از نظر روابط جنسی حلال و تمهید ازدواج و رابطه مشروع. فشار جنسی و سرکوب آن، باید در محیط علمی حداقلی باشد. سرکوب باعث کور شدن استعدادها و صرف انرژی عصبی زیاد برای کنترل آن است. تفریحات سالم و ورزش باید در محیط علمی وافر

باشد.

؟ دانشجویان و اساتید باید در ترمینال علوم جهانی باشند و پیوسته با بومسازگان_ معرفتی جهانی در تعامل باشند.

؟ باید دانشگاه و حوزه، با آخرین و مجهزترین امکانات آموزشی و پژوهشی، تجهیز شود.

؟ تقریباً همه پیش زمینه های رشد علم در دانشگاه های ایران یا وجود دارد یا قابل تحقق است... باید برای تمهید خود آن زمینه ها فکری کرد...